

در روزی و پنج میسرن
و اسو در بر پشت از تو بدوی
بر در کسین با کسین کرده
تا ازین در طبله اولی ایاه
کس شود صبه نادر و یکینیت

از زیر پوست بوی کرمانگنه
سج آن را بپس سوی تونی
پس از آن کایست از تو پیش
دامن از چشم مو او چینی
هر چه بد باشد از آن باز است
را چو یک گشت پیشان باشد
ر ده سپر خطا کم پسر
گل این بلع هم میرنگ است
میوه کاسال زش شش چینی
بوی آن است همان آنکستان
پار خوش بود پشم دول تو
باشند از نظر طریقه شش
نیت در کار زگرار زه
چند مایی زماعی هم پیش
بلک از محبت همیال است

در روزی هم خندان کند
بکس را غم خردای تویی
برک از تو ترکی چاره جوش
پس زانوی ذفا شیشی
عقد هر روز اول یکینیت
اسک لوزه در کمال ایاه
سوی استی و حال کم کدرت
بانگ مغانس پیک است
بر همان صورت پارس غی
بکمال خود ششک همان
چلت امسال از آن مصلی
پسال دیکمین طریقه جایش
لیکن آنی بود کار زه
تو بد نم نی مزه نیت پیش
دو کار خوشش ویی یکینیت

در روزی و پنج میسرن
و اسو در بر پشت از تو بدوی
بر در کسین با کسین کرده
تا ازین در طبله اولی ایاه
کس شود صبه نادر و یکینیت

می شاندر چشم شست و جابه
کرد و صحت وضع کمران
دیدن حسمت او باه اثر
هر که آن دولت و رنگ نیت
بیهایک زنی انجح حاضر
داند از غم و ترس خدای
خوزه از شیشه در هر ترس
خیز این دایره بر هم روح

پادشاه و از زه زری در راه
مکیش نام عالمی کمران
چشم زکار کیم است نظر
بلک بروایت کار کیم نیت
کشت تایت کای کیم نیت
کرده در کسین به دودان
منگاکت میان نیت در
مانده از غم و ترس خدای

در روزی و پنج میسرن
و اسو در بر پشت از تو بدوی
بر در کسین با کسین کرده
تا ازین در طبله اولی ایاه
کس شود صبه نادر و یکینیت

بهرت کار کیم نیت
عسد کسین در وقت
بهرت کار کیم نیت
عسد کسین در وقت
بهرت کار کیم نیت
عسد کسین در وقت
بهرت کار کیم نیت
عسد کسین در وقت
بهرت کار کیم نیت
عسد کسین در وقت
بهرت کار کیم نیت
عسد کسین در وقت

بهرت کار کیم نیت
عسد کسین در وقت
بهرت کار کیم نیت
عسد کسین در وقت
بهرت کار کیم نیت
عسد کسین در وقت
بهرت کار کیم نیت
عسد کسین در وقت
بهرت کار کیم نیت
عسد کسین در وقت
بهرت کار کیم نیت
عسد کسین در وقت